

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۲۳

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۲۵۷-۲۸۰

بررسی سندی و دلالتی حدیث «من رأی فی المنام فقد رأی...»

رضا حسینی فر*

◀ چکیده

در میان اندیشمندان علوم اسلامی، به اعتبارهای مختلف، حالات و تقسیمات متنوعی برای رؤیا ذکر شده است که از جمله آن‌ها، تقسیم رؤیا به اعتبار شخصی است که در رؤیا دیده شده است؛ با این توضیح که مطابق روایت مشهور «من رأی...»، «رؤیت معصوم در خواب» به دلیل ویژگی خاصی که دارد، با رؤیت دیگران یا دیگر چیزها متفاوت شمرده شده و ثمرات ویژه‌ای بر آن مترتب شده است.

با وجود این، بسیاری از علما با تشکیک در سند یا مضمون روایت و یا با بیان معارضات عقلی و نقلی، از پذیرش آن امتناع کرده‌اند. در این جستار سعی شده است به بررسی و نقد نظریات مخالفان حجیت یا مقبولیت این گونه خاص از رؤیا پرداخته شود.

مطابق یافته‌های این پژوهش، مجموعه روایات رؤیت معصوم در رؤیا یا در حد تواتر معنوی است و یا دست کم متظافر است؛ توجیهاتی که برای تأویل محتوا گفته شده، ضعیف و غیرقابل پذیرش است؛ و سرانجام، برخی تعارض‌های ادعایی واقعی نیست و برخی دیگر، قابل جمع هستند و نوبت به تساقط روایات نمی‌رسد. روشن است که در مباحثی از این دست، نقد ادله مخالفان، به معنی کاستی و ناکارآمدی ادله است و نه لزوماً به معنای پذیرش قول مقابل.

◀ کلیدواژه‌ها: حدیث، رؤیا، معصوم، سند، دلالت، تعارض.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز و همکار پژوهشی پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی /

rezahoseinifar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۳

۱. مقدمه

از جمله واقعیت‌های مبهم و پیچیده جهان هستی و عالم انسانی، ماجرای «رؤیا» است که ذهن اندیشمندان بسیاری را از گذشته دور تا زمان معاصر به خود مشغول کرده و در توضیح آن سخنان بسیار متنوع و گاه متضادی از سوی روانکاوان، فیلسوفان، عالمان دینی، مفسران و معبران، صاحبان علوم غریبه و... بیان شده است؛ اما همچنان در توضیح چگونگی این پدیده و تقسیمات و شرح مفاد آن با ابهامات فراوانی مواجهیم. در دنیای اسلام نیز وجود چند آیه صریح درباره رؤیا که در تمام آن‌ها، به دلایلی، رؤیا جدی، بلکه حجت شمرده شده است و نیز حجم بسیار زیاد روایات درباره رؤیا، موجب اهتمام اندیشمندان مسلمان به این مسئله شده است. مفسران، اهل حدیث، فقیهان، متکلمان، مفسران، فیلسوفان، عارفان، جملگی به مناسبت، به این بحث وارد شده و دغدغه‌های خویش را دنبال کرده‌اند.

رویکرد ما در این نوشتار، صرفاً مبتنی بر مباحث حدیثی و به عبارتی از منظر علم الحدیث است؛ آن هم احادیث مربوط به گونه خاصی از رؤیا که در آن، صاحب رؤیا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا یکی از معصومان را در رؤیای خویش می‌بیند.

۲. مضمون روایات و طرح نظریات

در روایت مشهوری که منابع حدیثی فریقین به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر کرده‌اند، آمده است: «من رأی فی المنام فقد رأی؛ فان الشیطان لا یتمثل بصورتی.» با وجود اختلافات لفظی اندکی که در این روایات وجود دارد، مضمون مشترک همه آن‌ها این است که اگر کسی پیامبر اکرم (یا دیگر معصومان) را در رؤیای خویش مشاهده کند، در حقیقت او را مشاهده کرده است؛ تعلیلی که در ادامه این روایت آمده این است که شیطان، توان تمثیل در رؤیا در چهره پیامبر صلی الله علیه و آله (یا سایر معصومان) را ندارد. با فرض پذیرش مضمون ظاهری آن، چنین استفاده می‌شود که رؤیت معصوم در رؤیا، رؤیای صادقه است و در نتیجه قابل قبول، و حتی می‌تواند حجت شمرده شود.*

طبیعی است پذیرش چنین حجیتی یا به سخن دیگر، حدیث شمردن چنین رؤیاهایی، حساسیت‌ها و دغدغه‌های فراوانی را موجب می‌شود و به همین دلیل خاستگاه مباحث بسیاری بوده (برای نمونه نک: علم‌الهدی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۳۹۴-۳۹۵؛

کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۳-۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۲۱۱-۲۱۹؛ مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۷، ص ۳۸۰-۳۷۷) و می‌تواند باشد.

از نظر موضع‌گیری نهایی، بیشتر محدثان و فقیهان، با عدم پذیرش حجیت چنین رؤیاهایی، به خدشه در سند و دلالت این روایات پرداخته و نیز آن را معارض با دلایل عقلی و نقلی دانسته‌اند. در مقابل، شمار اندکی از محدثان و فقها، خدشه در سند و تأویل‌های محتوایی را نپذیرفته و برخی نیز در عمل و در پاره‌ای موضوعات، به این روایات تمسک کرده و از آن‌ها در استدلال خویش بهره برده‌اند. اما در مجموع، در میان اندیشمندان علوم اسلامی، بیش از همه، عرفا و علمای اخلاق به این روایات توجه نشان داده و از آن بهره برده‌اند؛ در مقابل، محدثان و فقیهان، مضمون این روایات را قابل قبول ندانسته‌اند؛ اگرچه در این زمینه، به ندرت بحثی مستوفی و دقیق صورت گرفته است.

از منظر علم‌الحديثی، منتقدان و مخالفان پذیرش این روایات، سه اشکال اساسی را وارد دانسته‌اند: نخست آنکه این روایات خبر واحد است و ضعف سندی دارد؛ دوم آنکه محتوای حدیث دلالت بر مدعا، یعنی پذیرش و حجیت چنین رؤیاهایی، ندارد؛ و سوم، این روایات معارض با روایات دیگر و نیز ادله عقلی است و باید از آن اعراض کرد.

در ادامه، این سه اشکال بررسی می‌شود:

۳. بررسی نقدهای سندی روایات رؤیت

بسیاری از مخالفان در نخستین گام، دو نقد اساسی به روایات رؤیت معصوم در رؤیا داشته‌اند: خبر واحد بودن و نیز ضعف سندی همین اخبار آحاد؛ و به همین دلیل، عمل به مفاد آن را نپذیرفته‌اند. از جمله این مخالفان می‌توان به بزرگانی همچون شیخ مفید (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۵-۶۳)، سید مرتضی (علم‌الهدی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۳۹۴-۳۹۵) و علامه حلی (حلی، ۱۴۰۱ق، ص ۹۸) اشاره کرد. شیخ مفید ضمن اذعان به تعدد روایات با این مضمون می‌گوید: «و جمیع هذه الروایات أخبار آحاد» (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۴)

اما شاید صریح‌ترین و تندترین تعبیر در این خصوص مربوط به سید مرتضی باشد؛

ایشان در بحثی درباره حجیت رؤیا و در پاسخ به پرسشی فرضی درباره روایت «من رأنی...»، این روایت را نه تنها خبر واحد و روایتی ضعیف می‌شمارند بلکه آن را از جمله ضعیف‌ترین خبرهای واحد می‌دانند و تأکید می‌کنند که در چنین مسائلی اصلاً به چنین روایاتی توجه هم نمی‌شود! عبارت ایشان چنین است: «... قلنا هذا خبر واحد ضعیف من أضعف أخبار الأحاد و لا معول علی مثل ذلك.» (علم‌الهدی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۳۹۴)

صرف‌نظر از ابهامی که در تعریف دقیق و در نتیجه، در مصداق‌شناسی خبر متواتر و واحد وجود دارد و به دلیل این ابهام، خبرهای فراوانی وجود دارد که تشخیص واحد یا متواتر بودن آن‌ها کار چندان ساده‌ای نیست، اما با مراجعه به منابع روایی فریقین روشن می‌شود که احادیث مربوط به رؤیای رؤیت معصوم نه تنها خبر واحد و ضعیف، آن‌هم از ضعیف‌ترین قسم آن نیست، بلکه از جمله مضامینی است که در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، در روایات مختلف و با عبارات متنوعی آمده است؛ به گونه‌ای که به جرئت می‌توان چنین مضمونی را متواتر معنوی یا دست‌کم، متظافر دانست. افزون بر آنکه جز در اصول اساسی دین و نیز کلیات فروع دینی، کمتر موضوعی را می‌توان یافت که در منابع اهل سنت و شیعه، این وحدت نظر و اشتراک دیده شود.

علاوه بر آنچه درباره فراوانی این روایات گذشت، بسیاری از این روایات، از نظر سندی نیز صحیح یا مقبول‌اند و ادعای ضعیف بودن آن‌ها سخن دقیقی نیست. همین فراوانی و استحکام سند احادیث موجب شده است تا در مقابل بزرگان پیش‌گفته، برخی از بزرگان، ضعف سند یا خبر واحد بودن این روایات را نپذیرند. برای نمونه، محدث نوری این دسته از روایات را از جمله اخبار متواتر می‌داند (نوری طبرسی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۲۱۲ و ۲۳۲)؛ هرچند این احتمال وجود دارد که مراد ایشان از «تواتر»، همان «استفاضه» باشد؛ زیرا برخی از اخباریان تفاوتی میان معنای تواتر و استفاضه قائل نبوده‌اند. (نک: میرداماد، ۱۳۱۱ق، ص ۱۲۳)

برخی دیگر اگرچه روایت را متواتر ندانسته‌اند، بر آن اعتماد کرده و در احتجاج و استدلال خود از آن بهره گرفته‌اند. برای مثال، شیخ صدوق در مقام رد نظریه اسماعیلیه، ایجاد تخیل شیطان در قالب اسماعیل را دلیل عدم امامت او دانسته و چنین می‌گوید:

«... و روایت شده است که شیطان نمی تواند به صورت نبی یا وصی نبی خود را تجسم دهد؛ پس چگونه قائل به امامت اسماعیل شویم، در حالی که شیطان برای انحراف در شیعیان، خود را به ظاهر اسماعیل درمی آورد؟!» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۷۰) همچنین طبرسی در تنزیه مقام حضرت سلیمان گفته است: «و لا أن یمكن الشیطان من التمثیل بصورة النبی.» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۷۴۳)

در ادامه و برای آنکه مخاطب ارجمند، در برابر این ادعای ضعف سند و خبر واحد بودن، با حجم وسیع این روایات و سند قابل قبول برخی از آنها آشنا شود، به اجمال به برخی از این منابع و روایات اشاره می شود:

۱-۳. حدیث رؤیت در منابع اهل سنت

در مجامع اهل سنت، در مسند احمد (۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۴۷؛ ج ۷، ص ۲۴۹؛ ج ۱۵، ص ۱۸۲ و ۱۸۸ و ۲۹۶ و...) سنن الدارمی (۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰) صحیح بخاری (۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۵؛ ج ۱۰، ص ۳۶ و ۳۶۵) صحیح مسلم (۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۷۷۵) سنن ابن ماجه (۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸) سنن ترمذی (۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۶۹؛ ج ۶، ص ۹۹) و آثار فراوان دیگر، این روایت با اندکی تفاوت در برخی واژه ها و با اسناد متنوع آمده است.

می توان گفت که اکثر کتب حدیثی اهل سنت در قرون اولیه حدیث نگاری، این روایت را آورده و از نظر سندی نیز آن را تأیید کرده اند. این مضمون مشترک، در میان اهل سنت چنان بوده است که بخاری و مسلم در کتب خود، بابی را به این موضوع اختصاص داده اند. مسلم می نویسد: «باب قولِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى» (۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۷۷۵) و بخاری گوید: «باب مَنْ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَنَامِ» (۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۳۶۵)

مرحوم مجلسی ضمن اشاره به کثرت این روایات در منابع روایی اهل سنت می نویسد: «و قد روى المخالفون أيضا مثله بأسانيد عن ابن عمر و أبي هريرة و ابن مسعود و جابر و أبي سعيد و أبي قتادة عن النبي ﷺ برواية أبي داود و البخاری و مسلم و الترمذی بِالْفَظِّ مُخْتَلَفَةً...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۲۳۴)

درباره منابع حدیثی اهل سنت به همین مقدار بسنده می شود و بحث در منابع

شیعی، با تفصیلی بیشتر دنبال خواهد شد.

۲-۳. حدیث رؤیت در منابع شیعه

با توجه به فراوانی روایاتی که دلالت مستقیم یا غیرمستقیم بر تأیید چنین رؤیاهایی دارند، می‌توان با دسته‌بندی زیر به برخی از آنها اشاره کرد:

دسته اول: روایاتی که در محتوای مورد نظر، یعنی «من رأی فی المنام فقد رأی...» صریح هستند؛

دسته دوم: روایاتی که از کلام یا سکوت معصوم، تأیید تمسک به چنین رؤیاهایی فهمیده می‌شود؛

دسته سوم: روایاتی که خود حضرات معصومین از رؤیت پیامبر ﷺ یا یکی از معصومین در رؤیای خویش می‌گویند؛ بدون آنکه تصریح یا اشاره‌ای به اختصاصی بودن آن داشته باشند.

- روایات دسته اول

۱. از جمله این روایات موثقه‌ای از شیخ صدوق در *من لا یحضره الفقیه* است؛ مردی از اهل خراسان خدمت امام رضا علیه السلام می‌رسد و رؤیایش را که خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده و مطالبی از آن حضرت شنیده، خدمت آن حضرت عرض می‌کند؛ امام رضا علیه السلام ضمن تأیید و تعبیر رؤیای ایشان می‌فرماید: «پدرم از جدم از پدرش صلی الله علیه و آله برای من حکایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که مرا در خواب ببیند، به حقیقت مرا دیده است؛ زیرا شیطان به صورت من و به صورت یکی از اوصیای من و به صورت یکی از شیعیان ایشان در نمی‌آید و روایای صادقه جزئی از هفتاد جزء نبوت است.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۸۵-۵۸۴)

در سند این حدیث هم آمده است: «روی الحسن بن علی بن فضال عن ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام (همان، ج ۲، ص ۵۸۴)؛ راوی از اصحاب اجماع بوده و روایت، موثقه است.

شیخ صدوق همین روایت را در *الامالی* با سندی کامل‌تر آورده است: «حدثنا محمد بن ابراهیم قال: أخبرنا أحمد بن محمد الهمدانی، عن علی بن الحسن بن علی بن فضال عن ابیه عن...» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۶۴)

۲. مرحوم مجلسی ماجرای را از مجالس ابن الشیخ و از قول ابوبکر بن عیاش نقل می‌کند که در ضمن آن، وی به نقل از ابا حصین این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند. مرحوم مجلسی سند نقل را چنین آورده است: «مَجَالِسُ ابْنِ الشَّيْخِ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ حَشِيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مِيثَمٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْحِمَانِيِّ عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عِيَّاشٍ قَالَ: ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۲۴۲-۲۴۴)

۳. در کتاب سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ ضَمْنِ روایتی از همصحبتی حضرت امیر صلی الله علیه و آله با عبدالله بن عمر، آن حضرت با اشاره به رؤیایی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دیده‌اند، می‌فرمایند: «... وَ مَنْ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ فَقَدْ رَأَى فِي الْيَقِظَةِ...» (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۹۱)

وی در مقام بیان ماجرای دیگر، به سندی دیگر، ماجرای را مطرح می‌کند که در آن و در ضمن گفت‌وگوی خود با محمد بن ابی‌بکر، وی نیز این حدیث را به نقل از حضرت علی، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده است: «... وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي فِي نَوْمٍ وَ لَا يَقْظَةٍ وَ لَا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. قَالَ سُلَيْمٌ: فَقُلْتُ لِمُحَمَّدٍ: فَمَنْ حَدَّثَكَ بِهَذَا؟ قَالَ: عَلِيٌّ. فَقُلْتُ: قَدْ سَمِعْتُ أَنَا أَيْضاً مِنْهُ كَمَا سَمِعْتَ أَنْتَ...» (همان، ج ۲، ص ۸۱۹) این روایت از نظر سندی مرفوعه است.

۴. در کتاب کشف الغمّه آمده است، عامر بن سعید بجلی، در عالم رؤیا محضر حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشرف می‌شوند و وقتی رؤیای خود را برای براء بن عازب نقل می‌کنند، ایشان با استشهاد به حدیث رؤیت، رؤیای عامر را تأیید می‌کنند. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۵۸)

– روایات دسته دوم

اما دسته دوم شامل روایاتی است که اصحاب و یاران حضرات معصومین، از چنین رؤیاهایی سخن گفته‌اند و آن حضرات، یاران و مراجعان را نه تنها از توجه یا جدی گرفتن چنین رؤیاهایی برحذر نداشته‌اند بلکه با تصدیق، تعبیر و توضیحی، تأییدکننده چنین رؤیاهایی بوده‌اند. برای نمونه:

۱. در کافی از محمد بن یحیی از محمد بن الحسین از علی بن النعمان از سويد

قلاء از بشیر نقل شده است که ایشان پرسشی را که در خواب از امام صادق علیه السلام کرده و پاسخ آن حضرت را عرض می‌کند؛ و امام در پاسخ می‌فرماید: «همین طور است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۷) از نظر سندی، همه راویان ثقه هستند و تنها بشیر، امامی است اما در کتب رجالی توصیف نشده است. همچنین این روایت در کافی و با سندی دیگر، چنین آمده است: «محمد بن الحسن الطاطری عن ذکرة عن علی بن النعمان...» (همان، ج ۵، ص ۲۳)

۲. در *امالی مفید*، در حدیثی، سدید صیرفی از پدرش نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله را به خواب می‌بیند و با تفصیلی، هشت بار از وی درخواست رطب می‌کند و آن حضرت اعطا می‌فرماید. وقتی خدمت امام صادق علیه السلام می‌رسد، همین منظره تکرار می‌شود و وقتی رطب نهم را طلب می‌کند، آن حضرت، بی آنکه از ماجرای رؤیا اطلاع داشته باشند می‌فرماید: «اگر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌افزود، من نیز می‌افزودم...». در سند این روایت آمده است: «قال: اخبرنی ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی قال حدثنی ابي قال حدثنا محمد بن ابي القاسم عن احمد بن ابي عبد الله البرقی عن ابيه قال حدثنی من سمع حنان بن سدید الصیرفی یقول...» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۵)

۳. روایتی از امام صادق علیه السلام که برای دیدن پیامبر اکرم در رؤیا، اعمالی را ذکر می‌کنند. در سند این روایت آمده است: «حدث الشریف ابوالقاسم الحسین بن الحسن بن علی بن محمد بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن عبدالله بن علی بن ابی طالب العلوی ابن اخی الکوکی قال اخبرنی اسماعیل بن محمد قال اخبرنی اسماعیل ابن علی بن قدامه قال حدثنا احمد بن عبدان البردعی قال حدثنا سهل بن صقیر قال سمعت اباعبدالله علیه السلام قال...» (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۵)

– روایات دسته سوم

دسته سوم روایاتی است که معصوم علیه السلام از رؤیایی سخن گفته است که در آن، معصوم دیگری را درک کرده و مضمون آن را درست دانسته و حتی طبق آن، فتوا و حکم داده است. البته روشن است که نمی‌توان از صحت رؤیای معصوم به صحت چنین رؤیایی برای غیر معصوم حکم داد، اما در مقابل کسانی که چنین رؤیاهایی را از

معصوم نیز حجت نمی‌دانند، می‌توان به این روایات استناد کرد و پس از قول به فصل، ادله مربوط به رؤیای غیرمعصوم را مورد بازخوانی و دقت نظر قرار داد. پیش از پرداختن به این دسته از روایات، برای نمونه، به کلام یکی از مخالفان حجیت رؤیای معصوم، حتی اگر بیننده رؤیا معصوم باشد اشاره می‌شود و توجیه بسیار غریبی که برای این دسته از روایات بیان می‌کنند، از نظر گذرانده می‌شود:

سید مرتضی پس از حکم به عدم حجیت مطلق رؤیا، ابتدا پرسشی فرضی را مطرح می‌کند که پس درباره رؤیاهای انبیا چه می‌گویید و سبب صحت آن‌ها چیست؟ تا جایی که رؤیای آن‌ها همسنگ با وحی شمرده شده است! سپس در پاسخ می‌گویند: روایات مربوطه ما را به قطع نمی‌رسانند؛ ضمن اینکه با فرض قبول روایات، ممکن است خداوند، نبی خود را از طریق ملک یا هر راهی که موجب علم شود، با خبر سازد که به زودی در خواب چیزی را می‌بینی که... و از این طریق آن نبی به صحیح بودن خوابش قطع حاصل کند؛ نه اینکه به مجرد خواب دیدن برای او قطع حاصل شده باشد! ایشان در ادامه ماجرای خواب حضرت ابراهیم را نیز به همین صورت توجیه می‌کنند و با تعجب می‌پرسند: اگر جز این بود، چگونه حضرت ابراهیم علیه السلام از طریق رؤیا قطع پیدا می‌کرد که او باید تعبداً فرزند خود را ذبح کند! (علم الهدی، ۱۹۹۸، ج ۲، ص ۳۹۴)

در واقع دلیل ایشان عین مدعایشان است؛ مدعای ایشان آن است که خواب معصوم حجت نیست؛ بنابراین می‌بایست برای حجت نبودن رؤیای معصوم دلیل اقامه کنند؛ اما ایشان پس از طرح یک فرضیه، از مدعای خود، یعنی عدم حجیت یا یقینی بودن رؤیای معصوم، به عنوان دلیل فرضیه خود استفاده می‌کنند؛ با این بیان که چون رؤیای معصوم حجت نیست پس می‌بایست فرضیه درست باشد!

در ادامه و برای نمونه به چند روایت از این دسته بسنده می‌شود:

- امام صادق علیه السلام درباره سبب نزول سوره فتح می‌فرماید: خداوند در رؤیا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر کرد که وارد مسجد الحرام شوند و... و پیامبر نیز به اصحاب اطلاع دادند و آن‌ها را امر به خروج کردند. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۰۹)

- در روایتی از امام رضا علیه السلام، ایشان از رؤیت رسول خدا و همراهی با ایشان در

عالم رؤیا خبر داده‌اند. (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۸)
- و با همین سند، امام رضا علیه السلام پس از نقل ماجرای درباره همین دسته از روایات، در پاسخ به تعجب راوی می‌فرمایند: «یا حَسَنُ، إِنَّ مَنَامَنَا وَ يَقَظَتَنَا وَاحِدَةٌ.» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۸)

- همچنین می‌توان به دو روایت از امام سجاد علیه السلام اشاره کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۳۳۵) و البته در این زمینه روایات فراوان دیگری نیز وجود دارد.

۴. بررسی نقدهای محتوایی (دلالی)

برخی از علما به دلیل عدم امکان خدشه در سند احادیث یا در مرحله بعد و با فرض پذیرش سند، تلاش کرده‌اند محتوای احادیث را به گونه‌ای توجیه کنند که تأییدی بر صحت چنین رؤیاهایی نباشد. در ادامه به نقد و بررسی این توجیهاات، که برخی از آن‌ها به حقیقت توجیهااتی غریب می‌نماید، پرداخته شده است.

۴-۱. حمل روایت بر رؤیت در بیداری

سید مرتضی پس از تضعیف سند روایت و خبر واحد غیر قابل اعتنا دانستن آن، با فرض اینکه تسلیم سند روایت شود، با توجه به اینکه روایت را با عبارت «من رأنی فقد رأنی فإن الشیطان لا یتخیل بی» نقل کرده‌اند و در این نقل، از واژه «نوم» یا مشتقات آن استفاده نشده است، می‌فرمایند: «ممکن است مراد این باشد که هرکس مرا در بیداری ببیند، پس مرا حقیقتاً دیده است؛ چراکه شیطان نمی‌تواند در بیداری به صورت من تمثل یابد؛ زیرا گفته شده که گاهی شیطان به صورت بشری تمثل می‌یابد.» (علم‌الهدی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۳۹۴)

در پاسخ به این توجیه باید به چند نکته اشاره کرد:

نخست آنکه عبارت «من رأنی فقد رأنی...» که سید مرتضی، تحلیل محتوایی خود را بر آن بنا نهاده‌اند، تا آنجا که نویسنده کاویده است، در هیچ‌یک از مجامع روایی، به‌عنوان روایت و با ذکر سند یافت نشد و در تمام کتب روایی شیعه و اهل سنت، واژه «نوم»، «منام» یا واژه‌های مشابه آمده است. البته در برخی منابع، نه در مقام بیان حدیث، بلکه در مقام اشاره به روایات رؤیت، گاهی با این عبارت آمده است. بنابراین چنین

توجیهی منافات با نص صریح روایات دارد و قابل پذیرش نیست. دوم آنکه حتی اگر عبارت مورد نظر سید را به عنوان یکی از نقل‌ها بپذیریم، توجه به احادیث فراوانی در منابع شیعه و اهل سنت که در همه آنها واژه «نوم» یا «منام» آمده است، مراد نقل فوق را روشن می‌سازد و به همین دلیل هم موافقان و هم مخالفان، همگی با فرض رؤیت در عالم خواب، به تأیید یا رد مضمون مورد نظر پرداخته‌اند و نادیده گرفتن این واژه مهم و کلیدی روایت و ارائه چنین توجیهی، امری غریب می‌نماید.

سوم آنکه ایشان در ادامه، بی توجه به همه روایاتی که قید «فی النوم» یا مشابه آن آمده، توجیه خویش را با استدلالی که مطرح کرده‌اند مناسب‌تر از رؤیت در رؤیا دانسته‌اند. ایشان بر این باورند که چون خواب دیدن، امری حقیقی نیست، در حقیقت نه کسی رایی و بیننده است و نه کسی یا چیزی، مرئی و دیده‌شده! و دیدن و دیده شدن به صورت حقیقی فقط در بیداری رخ می‌دهد!

اما بدون آنکه بخواهیم وارد مباحث ماهیت رؤیا شویم، چنین سخنی، صددرد خلاف متفاهم عرفی است؛ در میان عقلا واژه «در خواب دیدن» معنای کاملاً روشنی دارد و بحث از حقیقی بودن این و مجازی بودن آن، پذیرفته نیست و بیشتر به راهی برای گریز از پذیرش روایت می‌ماند.

۲-۴. در حکم دیدن

از جمله توجیهاتی که برای عدم پذیرش مضمون روایات رؤیت مطرح شده، در تقدیر گرفتن کلماتی است. برای نمونه، باز هم سید مرتضی پس از طرح احتمال پیش گفته و با فرض آنکه روایت درصدد بیان رؤیای رؤیت باشد، با اذعان به اینکه این توجیه، عدول از ظاهر است، با تقدیر گرفتن کلماتی، عبارت را چنین معنا می‌کنند: «اگر کسی (معتقد باشد که) مرا در خواب دیده، (اگرچه حقیقتاً ندیده است اما در حکم) مرا دیدن است.» (همان، ج ۲، ص ۳۹۴-۳۹۵)

در پاسخ، توجه مخاطب فرهیخته را به نکاتی جلب می‌کنیم: نکته اول اینکه اگر پیامبر ﷺ بنا داشته‌اند برخلاف ظاهر روایت، ما را به این نکته متفطن کنند که «اعتقاد به دیدن پیامبر در خواب، دیدن به حساب نمی‌آید و نهایت در

حکم دیدن است»، آیا نمی‌توانستند از عبارتی که گویای منظور واقعی شان باشد استفاده کنند و جمله‌ای تا به این حد مبهم و غلط‌انداز استفاده نکنند؟! و اساساً چگونه مخاطب این روایت، بدون پیش‌زمینه‌های ذهنی و پیش‌داوری، می‌تواند از عبارت واضحی چون «من رأنی فی النوم فقد رأنی...» چنین برداشت دیریاب و نامأنوسی داشته باشد؟

نکته دوم آنکه با این توجیه و در نظر گرفتن مقدرهای گفته‌شده، باید از این بزرگوار پرسید در این صورت و با در نظر گرفتن ادامه روایت که «فان الشیطان لا یتمثل...»، منطوق این روایت چه خواهد بود و پیامبر درصدد بیان چه چیزی بوده است؟ آیا پیامبر ﷺ درصدد بودند مخاطب را به این نکته توجه دهند که دیدن در خواب، رؤیت حقیقی نیست؛ زیرا چشم‌ها حقیقتاً چیزی ندیده است و مجازاً به آن رؤیت اطلاق می‌شود؟ و آیا می‌توان با این برداشت، ادامه روایت را که بحث تمثیل مطرح می‌شود توجیه کرد؟

نکته سوم و آخر اینکه فرض کنیم منظور حضرت، نفی حقیقی دیدن باشد؛ حتی در این صورت، منظور از «درحکم دیدن است» چیست؟ و وقتی رؤیت در خواب، «در حکم دیدن» باشد، چه ثمره‌های علمی یا عملی را در پی دارد؟ و اگر ثمره‌ای بر آن مترتب نیست، آیا ذکر آن در کلام حکیم، امری لغو به حساب نمی‌آید؟

۳-۴. پیامبر ﷺ در خواب باشد؛ نه در خواب دیده شود

از جمله توجیهاتی که برای روایات رؤیت مطرح شده این است که منظور روایت آن است که پیامبر اکرم ﷺ و حضرات معصومین در خواب نیز همچون بیداری، هشیارانه و معصومانه سخن می‌گویند و به همین دلیل، اگر کلامی از ایشان در حالت خواب صادر شود، همچون بیداری، حجت است. (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۳-۶۴)

این مطلب اگرچه در جای خود، مطلب صحیحی است و روایاتی نیز بر این مضمون وجود دارد (نک: کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۷۴؛ حسن بن علی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۵۳) اما با توجه به سیاق روایات رؤیت و به‌ویژه تعلیلی که در ادامه روایات آمده که «فان الشیطان لا یتمثل بصورتی...»، چنین حملی پذیرفتنی نیست.

۴-۴. مقید کردن روایت به صحابه حضرات معصومین

برخی از بزرگان با پذیرش مضمون روایات رؤیت، مخاطب آن را تنها کسانی می‌دانند که پیامبر ﷺ یا حضرات معصومین علیهم‌السلام را مشاهده کرده باشند؛ زیرا مفاد حدیث، قضیه‌ای شرطیه است که در آن، تأیید صحت رؤیت متوقف بر دیدن آن حضرت شده است؛ و کسی که در بیداری، چهرهٔ حضرات معصومین را ندیده باشد، از کجا می‌داند کسی را که در رؤیا دیده - مثلاً - همان پیامبر است؟

برای نمونه، گفته شده است: «... به استناد روایتی (من رآنی فقد رآنی) دیدن پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در خواب حجت می‌دانند و توجه به این نکته ندارند که بر فرض صحت روایت، دربارهٔ کسی این حجیت ثابت است که در بیداری پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دیده باشد و در خواب همان صورت و هیئت را ببیند؛ وگرنه از کجا معلوم که صورتی که در خواب به نظرش رسیده صورت و هیئت واقعی پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد نه صورتی دیگر به آن نام.» (خراسانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۸۵۵)

در پاسخ باید گفت: اول اینکه حتی اگر چنین استدلالی از اهل سنت پذیرفته باشد، از علمای شیعه پذیرفتنی نیست؛ زیرا اغلب روایاتی که در این زمینه آمده مربوط به دوره‌هایی است که امکان مشاهدهٔ پیامبر اکرم نبوده است؛ افزون بر اینکه در برخی نقل‌ها، این حکم با قید «الی یوم القیامة» آمده است (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۹۴) و طبیعی است که اگر این حکم اختصاص به صحابهٔ حضرات معصومین داشته باشد، ذکر این قید لغو می‌باشد.

دوم اینکه باید از قائلین به این نظر پرسید: با این فرض و با حذف دورهٔ کوتاه حیات صحابهٔ پیامبر اکرم (برای شیعه و اهل سنت) و حضرات معصومین (برای شیعیان)، چه ثمره‌ای بر این همه رؤیایی که برای مؤمنان و حتی افراد عادی رخ می‌دهد مترتب است؟ آیا جز این است که بر این مبنا، این‌گونه خواب‌ها را باید قطعاً از سوی شیطان دانست؛ زیرا وقتی کسی معصوم را ندیده است، رؤیای معصوم، عملی لغو، بلکه گمراه‌کننده خواهد بود و چنین فعلی قطعاً از سوی حکیم یا منابع قدسی و رحمانی صادر نمی‌شود. و آیا قائلین محترم ملتزم به این نیز خواهند بود که تمام احساس معنوی و تأثیرات ایمانی این رؤیاها نیز زائیدهٔ شیطان است؟ به علاوه، می‌دانیم که برخی از علمای صاحب نام، به مناسبت، به ذکر رؤیاهای خویش پرداخته و حتی

آن را دلیل آغاز برخی از فعالیت‌های علمی و حرکت‌های اجتماعی خود دانسته‌اند؛ آیا منتقدان محترم می‌پذیرند که نسبت به رؤیاهای چنین بزرگانی نیز همین گونه حکم کنند و آن را شیطانی و در نتیجه، استفاده آن‌ها از این روایات را نیز نادرست و گمراه‌کننده بدانند؟!

سوم اینکه برخلاف گمان این بزرگواران، عدم امکان تصرف شیطان و در نتیجه حریم معصومان ذکر شده در روایات، برای حفظ قداست حضرات معصومین و عدم بی‌احترامی به چهره و جسد آن‌ها نیست؛ زیرا وقتی در تاریخ، بسیاری چون فرعون، ادعای الوهیت نیز داشته‌اند و در عین حال، خداوند به صورت تکوینی، از چنین سوء ادبی ممانعت نکرده است؛ همچنین وقتی بسیاری با طرح دروغین نبوت، به جایگاه نبوت بی‌احترامی کرده‌اند، طبیعی است که بی‌احترامی شیطان و تظاهر به چهره حضرات معصومین، به طریق اولی شدنی است. بلکه از سیاق روایات رؤیت استفاده می‌شود که این معصومیت در رؤیت برای آن است که تبعیت، علاقه و عشق مؤمنان به آن حضرات، با تمثل شیطان، در خواب یا بیداری، موجب انحراف آنان نشود و در واقع صیانتی است از جانب خداوند برای ایمان مؤمنان.

۵. بررسی ادعای تعارض با ادله عقلی و نقلی

برخی از مخالفان پذیرش روایات رؤیت در رؤیا، این روایات را در تعارض با برخی ادله عقلی و نقلی دانسته‌اند که در ادامه، به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۵-۱. تعارض با دلیل عقلی

مخالفان و منتقدان به احادیث رؤیت، پذیرش این احادیث را مخالف با حکم عقل دانسته‌اند و آن را به صورت‌های مختلفی مطرح کرده‌اند؛ به نظر می‌رسد صرف نظر از تنوع صورت ارائه، می‌توان این اشکالات را در قالبی کلی به دو اشکال تقلیل داد:

۱. در صورت باز شدن راه چنین دریافتهایی و حجت دانستن آن، زمینه ظهور و بروز ادعاهای فریبکارانه زیادی به وجود خواهد آمد و تناقضات و تضادهای موجب سردرگمی خواهد شد؛ چنان‌که در رؤیاهایی که افراد مختلف نقل کرده‌اند، چنین چیزی به وضوح قابل مشاهده است.

برای نمونه، مرحوم کراچکی به نقل از استادشان می‌فرمایند: «... این است که بینی

یک شیعه می‌گوید: من رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم که امیر مؤمنان علیه السلام به همراهش بود و به من فرمود: از او پیروی کن نه دیگری و به من اعلام کرد که اوست خلیفه پس از من، و ابوبکر و عمر و عثمان ستمکار و دشمن اویند و مرا از دوستی آنان نهی کرد و به بیزاری از آنان فرمان داد و مانند آن‌ها از آنچه خاص مذهب شیعه است؛ و آنگاه ناصبی را ببینی که می‌گوید: رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم که همراهش ابوبکر و عمر و عثمان بودند و آن حضرت مرا بدوستی‌شان فرمان داد و از دشمنی‌شان نهی کرد و به من اعلام کرد که آنان یاران اویند در دنیا و آخرت و همراه اویند در بهشت، و مانند این‌ها از آنچه خاص مذهب ناصبی هاست. و ناچار باید بدانی که یکی از دو خواب درست است و دیگری نادرست و بهتر دلیل صحت و بطلان هر کدام همان است که در بیداری دلیل بر آن اقامه شده و شیعه را نرسد که به ناصبی گوید تو دروغ‌گویی که رسول خدا ﷺ را در خواب دیدی؛ زیرا او هم همین را به او خواهد گفت. وی همچنین اضافه می‌کند: «ما خود یک ناصبی را که شیعه شده بود دیدیم که به ما گفت: پس از شیعه شدن خواب‌ها بیند ضد آن خواب‌ها که در حال ناصبی بودن می‌دیده و از آن روشن است که یکی از دو خوابش نادرست بوده و اثر حدیث نفس و وسوسه شیطان بوده.» (کراجکی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶)

از نگاه منتقدان، آنچه از این نقل‌ها به دست می‌آید این است که شیاطین می‌توانند برای کسانی که رسول خدا و دیگر معصومین علیه السلام را ندیده‌اند چهره‌سازی کنند و در واقع همین نگرانی‌ها سبب شده تا درباره محتوا و دلالت روایات رؤیت، تلاش فراوانی از سوی مخالفان صورت گیرد تا با تأویل‌ها و تشکیک‌هایی، مفاد روایات رؤیت را به گونه‌ای توجیه کنند که تأییدی بر صحت چنین رؤیاهایی نباشد.

در واقع منتقدان با تمسک به نقل‌های فرقه‌های مختلف از رؤیاهایی که از پیامبر اکرم ﷺ دیده‌اند و تضاد و تناقض محتوای این نقل‌ها، به بی‌اعتباری رؤیاهای حکم داده‌اند.

اما به نظر می‌رسد منتقدان محترم در این مورد خاص با گشاده‌دستی تمام، سخن ثقه عدل امامی را با دیگران برابر دانسته و به همین دلیل قائل به چنین تعارضی شده‌اند! پرسش این است که با چه معیار و میزانی به صدق گزارش شخص غیر ثقه

عدل امامی از رؤیایی که دیده اعتماد شده است؟ و آیا می‌توان دلیلی اقامه کرد که اگرچه به نقل حدیث غیر تقه نمی‌توان اعتماد کرد، به نقل رؤیای چنین شخصی می‌توان اعتماد کرد؟ و چگونه است که در چنین مواردی تمام دقت‌هایی که برای راوی حدیث در نظر گرفته شده، گویی به فراموشی سپرده می‌شود؟

بعید است منتقدان محترم توجه نداشته باشند که همان گونه که انگیزه‌های فراوانی برای جعل حدیث وجود دارد، برای نقل رؤیاهای دروغین نیز وجود دارد بلکه زمینه و انگیزه در این مورد به مراتب بیشتر است؛ و به همین دلیل باید در این باره نیز تمام دقت‌های متعارف برای اطمینان از وثاقت شخص انجام پذیرد و روشن است که بر این مبنا، تعارض‌های پیش‌گفته رخ نخواهد داد.

روشن است که معتقدان به احادیث رؤیت نیز قائل به حجیت تمام نقل‌ها، از هر شخص و در هر موضوعی نیستند و در این زمینه تفصیل فراوانی وجود دارد که پس از پذیرش اصل احادیث رؤیت در رؤیا و پرهیز از تأویل‌های نامناسب آن، باید به آن پرداخت و ابعاد این حجیت را واکاوی کرد.

۲. اشکال دوم در واقع توضیحات و توجیهاتی است که می‌توان آن‌ها را دلیل عقلی به حساب آورد؛ از جمله اینکه وقتی کسی چون فرعون، آن هم در بیداری، ادعای الوهیت می‌کند، چه مانعی وجود دارد که ابلیس در خواب، خود را پیامبر معرفی کند، درحالی‌که هم هوشیاری در خواب کمتر است و هم توانمندی‌های شیطان در این زمینه از انسان‌ها بیشتر است. (همو، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۴)

اما این استدلال پذیرفتنی نیست؛ به دو دلیل: یکی اینکه استدلال می‌تواند از مصادیق اجتهاد در برابر نص باشد؛ زیرا وقتی در چندین روایت تصریح شده که شیطان اجازه چنین تصرفاتی در خواب و بیداری ندارد، چگونه می‌توان این عدم اذن تکوینی الهی را مانعی به حساب نیاورد؟! دوم اینکه چنین استدلالی قیاس مع‌الفارق است؛ زیرا در مثال مذکور، فرعون یا مدعیان نبوت و امامت، تمثیل به صورتی دیگر پیدا نمی‌کردند، بلکه چنین جایگاهی را برای خود ادعا می‌نمودند؛ درحالی‌که بحث ما در تمثیل به صورت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و اگر بخواهیم مقایسه‌ای داشته باشیم باید فرض کنیم، شیطان یا هر شخص دیگری به جای خداوند یا ملک مقرب، مطلبی را

وحی یا الهام کند؛ یا در زمان حیات پیامبران یا حضرات معصومین، شیطان به صورت آن‌ها ظاهر شود و مطالب خلاف واقع اعتقادی یا فقهی القا کند! روشن است که استدلال‌کننده محترم نیز به دلیل توالی فراوان کلامی و اعتقادی، قائل به امکان چنین تصرفاتی برای شیطان نخواهد بود.

۲-۵. تعارض با ادله نقلی

برخی از مخالفان پذیرش روایات رؤیت در رؤیا، این روایات را در تعارض با برخی دلایل نقلی نیز دانسته‌اند؛ چنان‌که مرحوم ملا احمد نراقی که از اساتید شیخ انصاری است، در کتاب *مناهج الاحکام* می‌فرماید: بعضی از علمای امامیه، قول و فعل معصوم را که در خواب صادر شود حجت دانسته‌اند، اما بیشتر علما برخلاف این قول مشی کرده‌اند. ایشان در ادامه تلاش کرده‌اند با توجه به احادیث دیگر، عدم حجیت چنین رؤیاهایی را به اثبات برسانند.

برای نمونه به بررسی و نقد برخی از این ادله پرداخته می‌شود:

۱. یکی از مهم‌ترین روایاتی که به‌عنوان معارض با احادیث رؤیت مطرح شده، حسنه ابراهیم بن هاشم است که در فرازی از آن، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَرَى فِي النَّوْمِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۸۲)؛ همانا دین خداوند عزیزتر از آن است که از طریق خواب به دست آید.

برای روشن شدن نحوه استدلال مخالفان، نخست به روایتی که اهل سنت درباره اذان و اقامه دارند اشاره‌ای می‌شود و سپس روایت مورد نظر که ناظر به روایات اهل سنت است، بررسی می‌گردد:

اهل سنت در سبب تشریح اذان گفته‌اند که مردم مدینه برای آگاه شدن از وقت نماز مشکل داشتند و برای یافتن راهکاری مناسب با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشورت کردند اما به جمع‌بندی مناسبی نرسیدند. عبدالله بن زید (در نقلی دیگر، عمر بن خطاب و در نقلی دیگر هر دو، و در نقل‌های دیگر، دیگرانی همچنین خوابی دیده‌اند...) در رؤیا و یا بین خواب و بیداری فرشته‌ای را می‌بیند که به او اذان و اقام را یاد می‌دهد. سپس این جریان را برای پیامبر صلی الله علیه و آله بازگو می‌کند و پیامبر نیز به بلال گفتند آن را فرا بگیرد و در وقت نماز آن را با صدای بلند بخواند. (ابی داود، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ابن حنبل،

۱۴۱۶ق، ج ۲۶، ص ۴۰۰، ۴۰۲ و...

با توجه به این مقدمه، کلینی با سند صحیح از عمر بن اذینه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امام فرمودند: جماعت (منظور اهل سنت) درباره اذانشان چه می‌گویند؟ عرض کردم: می‌گویند که ابی بن کعب آن را در خواب دیده است. امام فرمود: دروغ می‌گویند! زیرا دین خداوند عزیزتر از آن است که در خواب دیده شود. درباره این روایت توجه به چند نکته ضروری است:

نخست آنکه برخلاف گمان اهل سنت، اذان و اقامه همچون اصل نماز، از سوی شارع مقدس و به صورت تأسیسی انشاد گردیده است و بر این مضمون روایات فراوانی وجود دارد (نک: ابن بابویه، ۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۲، احادیث باب) که صحیحه عمر بن اذینه یکی از آنهاست. ذکر این نکته از این نظر اهمیت دارد که توجه به خاستگاه روایت و اختلاف مهم و مبنایی میان اهل سنت و شیعه موجب درک بهتر محمل این حدیث خواهد بود.

نکته دوم آنکه در این روایت، امام صادق علیه السلام در واقع، حدیثی را که در مجامع اهل سنت درباره فلسفه و شیوه جعل اذان و اقامه آمده است تکذیب کرده‌اند؛ یعنی نه کسی رؤیایی دیده است و نه خدمت پیامبر مطرح کرده‌اند و... بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اذان و اقامه را در سفر معراج فرا گرفته‌اند؛ هرچند آن حضرت در مقام تعلیل، عبارت «ان دین الله...» را ذکر فرموده‌اند.

نکته سوم: اگرچه این روایت از نظر سندی مشکلی ندارد، فراز مورد اشاره روایت، قطعاً خبر واحد و فرد است و با وجود جست‌وجو، حتی یک روایت دیگر با مضمونی مشابه «ان دین الله أعز من أن یری فی النوم» یافت نشد و عجیب است که مخالفان، چندین روایت متنوع و با مضمون مشترک را که حتی اگر متواتر هم نباشند، دست‌کم در حد تظافر است، با همین یک روایت کنار گذاشته‌اند!

نکته چهارم: برخلاف آنچه برخی از محققان گفته‌اند (ترابی و شهبازیان، ۱۳۹۳، ص ۲۵) اگر بخواهیم دامنه این حدیث را به هرگونه رؤیایی تسری دهیم، در این صورت، عبارت مورد توجه متقدمان، یعنی «ان دین الله أعز...» در تعارض با احادیث فراوانی است که دلالت بر توجه اهل بیت علیهم السلام به برخی رؤیاهای و عدم ردع نسبت به

استفاده از برخی رؤیایا داشته‌اند؛ که به شمار اندکی از این روایات برای نمونه اشاره شد. با توجه به نکات پیش گفته، تعارض و تساقطی میان احادیث رؤیت و صحیحہ عمر بن اذینه رخ نداده است. اما حتی با فرض پذیرش مضمون مدعایی از صحیحہ عمر، به دلیل عدم توان معارضه با مضمون روایات متنوع و چشمگیر رؤیت در رؤیا، باید آن را بر یکی از وجوه زیر حمل کرد:

– همان‌گونه که از گزارش‌های تاریخی به دست می‌آید، امام صادق علیه السلام به استنباط احکام به صورت تأسیسی نظر داشته و حدیث «إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَرَى فِي النَّوْمِ» در مقام نفی حکم تأسیسی است، نه کشف حکمی از احکام یا سایر مضامین اخلاقی، اعتقادی، عرفانی و... مرحوم مجلسی این احتمال را مطرح کرده‌اند؛ اگرچه خود آن را نمی‌پذیرند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۴۶۹)

دوم آنکه، هرچند امام صادق، اصل این روایت را تکذیب می‌کنند و دیگر جایی برای بحث تاریخی باقی نمی‌ماند اما طبق همین نقل تکذیب شده، شخص مذکور در روایت، فرشته‌ای را در خواب می‌بیند و آن ملک، اذان و اقامه را به او تعلیم می‌دهد؛ درحالی که روایات رؤیت در رؤیا، اختصاص به پیامبر صلی الله علیه و آله، ائمه معصومین علیهم السلام و در برخی روایات، شیعیان خاص دارد و در هیچ یک از این روایات، ذکری از ملک نشده است و رؤیت فرشته و ملک الهی در خواب، موضوع دیگری است و پذیرش یا رد آن نیاز به ادله جداگانه‌ای دارد.

۲. از جمله روایاتی که منتقدان محترم در مقام تعارض با احادیث رؤیت مطرح کرده‌اند، مجموعه روایاتی است که مربوط به اقسام رؤیا و دشواری تشخیص رؤیایا صادقانه از سایر رؤیایا و نیز دشواری تعبیر رؤیایا صادقانه می‌باشد. برای نمونه، در یکی از این احادیث آمده که رؤیا بر سه بخش است: بخشی بشارت از خداست برای مؤمن؛ و بخش دیگر به وحشت افکندن مؤمن توسط شیاطین است؛ و بخش سوم تجسم خیالات نفسانی است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۹۰-۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۵۱، روایات باب ۴۴)

برخی از منتقدان، پس از استناد به این روایات، بر این باورند که وقتی امر خواب بر این مبنا استوار است، چگونه می‌توان خواب رحمانی را از رؤیای شیاطانی تمییز

داد؟ (نک: ترابی و شهبازیان، ۱۳۹۳، ص ۲۸-۲۹)

در پاسخ باید گفت اگر این نقد، به معنای لزوم توجهی بسیار ویژه برای تشخیص و شیوه‌های تعبیر باشد، یا توجه دادن به اینکه لازم است محتوای رؤیا به منابع اصیل عرضه شود و مطابق مبانی و آموزه‌های تأیید شده باشد، در این صورت این نقد، کاملاً صحیح است و بر آن اشکالی وارد نیست. اما اگر حاصل این نقد چنین باشد که چون تشخیص و تعبیر دشوار است، رؤیا غیر قابل استفاده، بلکه باطل است؛ در این صورت بر چنین نقدی، اشکالات اساسی و مهمی وارد است؛ با توجه به اینکه رسالت این نوشتار بحثی مستوفی در این خصوص نیست صرفاً به عناوین و کلیات این اشکالات اشاره می‌شود:

- تعارض با حجم عظیمی از آیات و روایات که به اهمیت و حتی حجیت رؤیاهای حضرات معصومین پرداخته‌اند؛ بدون آنکه تصریح یا حتی اشاره‌ای به لزوم بی‌توجهی غیر معصومان به رؤیاهای شده باشد؛

- تعارض با روایات فراوانی که انبیا و اولیای الهی به نقل رؤیاهای اصحاب توجه نشان می‌داده و برای آن تعبیری ذکر می‌کردند یا مضمون آن را تأیید می‌فرمودند؛ بدون آنکه تصریح یا حتی اشاره‌ای بر این مسئله مهم داشته باشند که جز نزد معصوم، تعبیر خوابتان را جویا نشوید؛

- تعارض با سیره بسیاری از علما و متشرعه که به رؤیاهای خویش توجه نشان داده‌اند؛ و اگر رؤیا تا این حد بی‌اعتبار بود، قطعاً چنین برخوردی از ساحت علمای دین و متشرعه به دور بود.

- و در آخر اینکه با توجه به مبانی اعتقادی و چنان‌که در روایت مورد استناد مخالفان نیز آمده بود، رؤیا نیز مخلوق خداوند و خلقتش بنا بر حکمت است؛ بر این مبنا، باید از قائلین به این نظر پرسید: اگر ارزش رؤیاهایی که در روایات تأیید شده محدود به دوره حیات صحابه پیامبر اکرم (برای شیعه و اهل سنت) و حضرات معصومین (برای شیعیان) بوده است، چه ثمره‌ای بر این همه رؤیای رؤیت معصوم، بلکه برای مطلق رؤیاهای خاصی که برای مؤمنان و حتی افراد عادی رخ می‌دهد مترتب است؟ آیا جز این است که بر این مبنا، این‌گونه خواب‌ها را باید قطعاً از سوی شیطان

یا نتیجه توغلات بیهوده نفسانی دانست؛ زیرا وقتی چنین رؤیاهایی نتیجه معرفتی نداشته باشد، رؤیای معصوم عملی لغو خواهد بود و فعل لغو نیز از حکیم صادر نمی‌شود؛ نتیجه آنکه بر مبنای نظر مخالفان، مبدأ چنین رؤیاهایی صرفاً شیطانی یا نفسانی است! و آیا قائلین محترم، ملتزم به این نیز خواهند بود که تمام احساس معنوی و تأثیرات ایمانی این رؤیاها نیز زائیده شیطان است؟ و همه نقل رؤیاهایی که توسط برخی علمای بزرگ شیعه صورت گرفته، خطا و حتی برای فریب مخاطبان بوده است؟!

۳. همچنین برخی منتقدان با استفاده از روایتی که در تفسیر قمی، ذیل آیه نجوا «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ» (مجادله: ۱۰) آمده است، به عدم اعتماد به رؤیت معصوم در خواب نظر داده‌اند. مضمون این روایت بیانگر ایجاد تخیل یکی از شیاطین برای حضرت زهرا علیها السلام است. طبق این نقل، این شیطان در چهره رسول خدا درآمده و مرگ حضرت علی و حسنین علیهم السلام را به حضرت فاطمه علیها السلام نشان داده و از این طریق او را غمگین کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از اطلاع از این رؤیا و جست‌وجوی معنای آن از جبرئیل، متوجه می‌شود شیطان برای آزار حضرت فاطمه علیها السلام این رؤیا را ایجاد کرده است. (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۵۶) منتقدان با استفاده از این روایت و مطابق قیاس اولویت نتیجه گرفته‌اند که وقتی شیطان می‌تواند در رؤیای حضرت زهرا علیها السلام و در سیمای پیامبر خدا وارد شود، برای دیگران به طریق اولی چنین امکانی خواهد داشت؛ و به همین دلیل چنین رؤیاهایی را بی‌اعتبار می‌دانند.

این نقل از سه نظر دارای اشکال جدی است:

نخست آنکه این روایت با این تفصیل تنها در تفسیر قمی آمده است و می‌دانیم درباره تفسیر قمی و بالطبع پذیرش روایات منفرد آن، سخنان متفاوتی وجود دارد (شهیدی و توسل، ۱۳۹۴: ص ۳۴-۳۵) البته بخشی از این روایت که محل استناد منتقدان نیست در کتاب شریف کافی آمده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۱۴۲) که به دلیل وجود هارون بن منصور و ابی الورد در سلسله سند، روایتی ضعیف شمرده می‌شود.

دوم آنکه روایت یاد شده با روایات بسیاری، ناسازگار و بلکه متعارض است؛ از

جمله روایات مقام عصمت حضرت زهرا علیها السلام، روایات یکسانی خواب و بیداری حضرات معصومین، روایات دال بر اخبار به حضرات معصومین از طریق رؤیا و ... (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۸، ص ۱۵۰، بسیاری از احادیث باب) و با پذیرش چنین روایتی، این شبهه درباره رؤیای هریک از انبیا یا حضرات معصومین قابل طرح می‌باشد؛ در حالی که به نظر نمی‌رسد منتقدان محترم قائل به چنین لوازمی باشند.

سوم آنکه با پذیرش این روایت؛ حتی توجیه قائلان به عدم حجیت که روایات رؤیت را مختص صحابه حضرات معصومین می‌دانستند نیز بدون وجه می‌شود و در نتیجه روایات رؤیت معصومان در رؤیا از اساس باطل می‌شود؛ زیرا وقتی شیطان در رؤیای شخصی مانند حضرت زهرا علیها السلام آن هم در تمثیل به چهره پدر بزرگوارشان ظاهر شود و شوهر بزرگوار و فرزندانشان را تمثیل بخشد و چنین تصرفاتی داشته باشد، به طریق اولی جایی برای بحث درباره عدم امکان تصرف شیطان برای اصحاب و ... باقی نمی‌ماند.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع سخنان مخالفان و منتقدان به مقبولیت و بلکه حجیت روایات «من رآنی فی المنام فقد رآنی...» استفاده می‌شود که برای عدم پذیرش این روایات، سه دسته اشکال را بر این روایات وارد دانسته‌اند: اشکالات سندی، اشکالات محتوایی و نیز تعارض با ادله نقلی و عقلی.

اما به نظر می‌رسد هر سه دسته اشکال، وارد نیست؛ زیرا روایات مربوطه خبر واحد و با سند ضعیف نیست؛ توجیهاات محتوایی بسیار ضعیف و غیر قابل قبول است؛ و در نهایت تعارض ادعایی رخ نداده و در نتیجه نه تنها روایت رؤیت به کناری نهاده نمی‌شود بلکه حتی تساقطی هم رخ نمی‌دهد.

به گمان نویسنده، در موضوع روایات رؤیت، علمای مخالف، به دلیل نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی که در پذیرش چنین رؤیاهایی داشته‌اند و در واقع با پیش‌زمینه ذهنی، به این روایات ورود کرده و ممشای علمی و تحقیقی خود را در نظر نگرفته‌اند و به همین دلیل، گاه سخنان بسیار ضعیف و غیر قابل دفاعی فرموده و به لوازم خود توجه نداشته‌اند.

البته این نوشتار، بیشتر ناظر به بررسی ادله مخالفان و نقد آن بود؛ روشن است که حتی رد تمام ادله مخالفان، از نظر منطقی، به معنای اثبات جانب مخالف نیست. بنابراین تمام سخن در این نوشتار، توجه به ضعف‌های استدلال مخالفان و لزوم بحث و تدقیق بیشتر در این موضوع است.

به علاوه بر این نکته تأکید می‌کنیم که حتی با فرض دفاع از روایات رؤیت، این دفاع به معنای اعتبار مطلق چنین روایاتی و حجیت آن‌ها نیست، بلکه رؤیا نیز از این نظر، همچون همه دریافت‌های دینی دیگر است که پذیرش آن منوط به بررسی‌ها و مباحث نظری فراوانی است که باید با دقت و وسواس فراوان انجام پذیرد؛ از آن جمله است: مباحث تشخیصی رؤیا، شیوه‌های تعبیر رؤیا، حجیت آن برای شخص، حجیت آن برای دیگران، تعارض مضمون با دلایل عقلی و نقلی و ...

پی‌نوشت‌ها

* توجه به این نکته ضروری است که این روایات درباره نیازمندی به تأویل یا عمل به ظاهر رؤیا ساکت‌اند؛ بنابراین حتی با فرض پذیرش مفاد روایات رؤیت، حجیت ظاهر رؤیا نیازمند دلیل مستقلی است که رسالت این نوشتار پرداختن به آن نیست.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲. —، *الامالی*، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۳. —، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵ق.
۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الامام احمد بن احمد*، ج ۱، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن ماجه، محمد بن یزید، *سنن الحافظ ابی عبدالله محمد یزید القزوینی ابن ماجه*، ج ۱، بیروت: دارالجیل، ۱۴۱۸ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّة فی معرفة الائمة*، تبریز: بی‌نا، ۱۳۸۱ق.
۸. ابو داود، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، قاهره: دارالحديث، ۱۴۲۰ق.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، قاهره: احیاء کتب السنة، ۱۴۱۰ق.
۱۰. ترابی شهرضایی، اکبر و شهبازیان، محمد، «جایگاه رؤیا و خواب در تشخیص حجت الهی از

۲۸۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال یازدهم، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

- منظر روایات»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، شماره ۹، ۱۳۹۳ش، ص ۲۳-۵۲.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی، *الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی*، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۹ق.
۱۲. حسن بن علی، امام یازدهم، *التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (علیه السلام)*، قم: مدرسه الامام المهدی (علیه السلام)، ۱۴۰۹ق.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف، *اجوبة المسائل المهنائیه*، ج ۱، قم: انتشارات خیام، ۱۴۰۱ق.
۱۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۳ق.
۱۵. خراسانی، محمد بن عبدالسلام تربتی شهابی، *ادوار فقه*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۴۱۷ق.
۱۶. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، *مسند الدارمی (سنن الدارمی)*، ریاض: دار المغنی، ۱۴۲۱ق.
۱۷. شهیدی، روح‌الله و توسل، سیده راضیه، «جستاری در معیارهای اعتبار سنجی روایات تفسیری شیعه»، نیم‌سالنامه حدیث و اندیشه، شماره ۱۹، ۱۳۹۴ش، ص ۳۰-۴۸.
۱۸. دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۹. طبرسی فضل بن حسن، *مجمع البیان*، ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۰. قمی، علی ابن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۱. علم‌الهدی، علی بن حسین، *امالی مرتضی*، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۹۸م.
۲۲. کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد و التعجب*، ج ۱، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
۲۳. _____، *گنجینه معارف شیعه امامیه (ترجمه کنز الفوائد و التعجب)*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: چاپخانه فردوسی، بیتا.
۲۴. کشی، محمد بن عمر، *رجال کشی - اختیار معرفة الرجال*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاهی، ۱۴۰۹ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۶. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، *شرح الکافی*، تهران: المكتبة الاسلامیه، ۱۳۸۲ق.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۸. _____، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۲۹. مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۲ق.
۳۰. مفید، محمد بن محمد، *الامالی*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۱. میرداماد، محمدباقر بن محمد، *الرواشح السماویه*، ج ۱، قم: دارالخلافه، ۱۳۱۱ق.
۳۲. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، *دارالسلام فیما يتعلق بالرؤیا و المنام*، ج ۱، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۹ق.
۳۳. هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم: انتشارات الهادی، ۱۴۰۵ق.